

تهدیدی که به فرصت تبدیل شد؛

حسین براتی پژوهشگر اجتماعی از حقایق نهان و آشکار اغتشاشات و حوادث اخیر می گوید

حوادث و اغتشاشات اخیر، تهدیداتی را برای امنیت کشور بوجود آورد که بی تردید شنیدن و انجام فرامین رهبری در خصوص شناخت دشمن و راه های برون رفت از تلاطمات حاصل تفکرات آنان موضوعی بود که نیاز به بررسی دقیق از سوی کارشناسان این حوزه بود. در همین راستا مصاحبه ای باحسین براتی محقق و پژوهشگر مسائل مذهبی و اجتماعی انجام شد.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، حوادث و اغتشاشات اخیر، تهدیداتی را برای امنیت کشور بوجود آورد که بی تردید شنیدن و انجام فرامین رهبری در خصوص شناخت دشمن و راه های برون رفت از تلاطمات حاصل تفکرات آنان موضوعی بود که نیاز به بررسی دقیق از سوی کارشناسان این حوزه بود. در همین راستا مصاحبه ای باحسین براتی محقق و پژوهشگر مسائل مذهبی و اجتماعی انجام شد.

نقش جوانان دهه هشتادی در اتفاقات اخیر کشور چه بود؟

حوادث و اغتشاشات اخیر در کشور اگرچه پرده از توطئه های دشمنان خارجی و داخلی برداشت و مردم را بیشتر نسبت به برخی حقایق آشنا کرد، اما خسارات جبران ناپذیری از جمله شاهدت چندین تن از حافظان امنیت و همچنین برهم خوردن امنیت روانی عموم جامعه را در پی داشت. برخی براین عقیده اند که اعتراضات اخیر منسوب به دهه هشتادی هاست درحالی که چنین نیست و مسئله اصلی این بود که دهه هشتادی ها چون فاقد تجربه سیاسی بودند یک بازیچه شدند برای دشمنان و به میدان آمدند درواقع دهه هشتادی ها بازیگرانی نو برای ایجاد یک طرح تکراری بودند. البته دشمنان موضوعاتی چون حجاب، گشت ارشاد، فوت مهسا امینی و امثالهم را دستاویزی برای تحریک دهه هشتادی ها کردند که بتوانند به هدف خود برسند.

البته موضوع حضور دهه هشتادی ها باید توسط روانشناسان اجتماعی مورد بررسی قرارگیرد چون اگر از زاویه آسیب های اجتماعی بخوایم بررسی کنیم، می بینیم اکثر نوجوانان دهه هشتادی که در اغتشاشات حضور داشتند دچار آسیب های اجتماعی ازجمله فرزند طلاق بودن، دچار دورافتادگی از تعالیم دینی شدن، مجازی زده بودن، و یا مبتلا بودن به آسیب های روانی متعدد هستند، البته مواردی که ذکر کردم براساس داده های آماری است. مفهوم (زن زندگی آزادی) از نظر اغتشاش گران چیست؟

آن دسته از اشخاصی که برای مفهوم زن زندگی آزادی به خیابان آمده اند سبک زندگی دینی قبول ندارند و آن را حیات در قفس می دانند و تصور می کنند با برداشتن روسری و تردد در جامعه بدون حجاب می توانند نظام را وادارکنند که آنان را به رسمیت بشناسند این درحالی است که رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای درمورد مسئله هویت باره تاکید فرمودند که (دشمن هویت ما را مورد هدف قرار داده) و دقیقاً جایگاه هویت دراین نقطه نقش پیدا می کند.

این جریان دقیقاً به دنبال آن است هویت اسلامی و انقلابی را از رسمیت خارج کنند چند روز پیش کلیبی رو دیدم که شخصی تعدادی کاغذ با یک گیره سربین دختران که برای اعتراض به خیابان ها آمده اند پخش می کند و روی اون تیکه کاغذ نوشته بود (چقدر موهایی شمدختران سرزمینم ایران را زیبا کرده). همین یک جمله نشان دهنده اوج کوتاه فکری اشخاصی است که شعار زن زندگی آزادی سر می دهند چون فقط از نظر آنان دقیقاً مفهوم آزادی برهنگی است.

از نظر دشمنان اتفاقات اخیر کشور یک جنبش است؟ آیا این نظریه صحیح است؟

خیر. اتفاقات اخیر یک جریان است نه جنبش چون جنبش دارای ایدئولوژی، تفکر، رهبری، بدنه اجتماعی قابل قبول و اعمال معقول است درحالی که این جریان به شورش، طغیان، آشوب شبیه بود نه یک جنبش معقول و موجه با رهبری واحد و اهداف از پیش تعیین شده بنابراین این جریان نه تنها جنبش نیست حتی اعتراض هم نیست بلکه یک اغتشاش تمام عیار است و بس.

دلیل شما از اینکه کسانی که به خیابان ها آمده بودند اغتشاشگر بودند نه معترض چیست؟

چون کسانی که به خیابان ها آمده بودند برخلاف معترضان واقعی که سعی می کنند چارچوب های مطالبه و ظواهر آن را حفظ کنند دست به خشونت های غلیظ زدند دیدیم که این جریان به سمت خشونت های بی سابقه خیابانی حرکت کردند. البته ناگفته نماند کسانی که ابراز خشونت کردند دودسته بودند یک دسته ادم ها و عناصر گروهی بودند که تعارفی باتوده مردم نداشتند و بویی از اخلاق و انصاف نبرده بودند و خیلی بی پروا حمله می کردند و صحنه های تلخی را خلق کردند و یک دسته نسل نوجوان و جوانی بود که هیجان زده و دچار توهم نسبت به حاکمیت که قتلی صورت گرفته و باید انتقام بگیرد بود البته تمام این موارد سازمان دهی شده و گروهی بود درحالی که اعتراض مقبول سعی در پرهیز از خشونت دارد تا موجه و معقول جلوه کند که مثل اعتراض فرهنگیان، کارگران که در چارچوب قانونی اعتراض کردند و مطالبه گری کردند که الحق والانصاف به اعتراض آنان پاسخ داده شد و مشکالشون حل شد بدون هیچ درگیری و اتفاق ناگواری بنابراین تمام اقشار کشور عزیز ایران از آزادی بیان برخوردارند.

جایگاه واقعی رسانه های فارسی زبان معاند در فرماندهی اغتشاشات چه بود؟

زمین بازی اصلی در جنگ های موج چهارمی که رسانه های فارسی زبان فرماندهی آن را در اغتشاشات ایران برعهده گرفتند ذهن جامعه هدف است و تلاش می کنند با ابزار و روش های مختلف ازجمله دروغ پراکنی و تحریف حقایق، ایجاد توهم اکثریت، القاء حمایت گسترده خارجی، رو به اضلال بودن حاکمیت و hellip. شناخت آنان را نسبت به محیط پیرامونی مهندسی کنند درواقع در یک کلام میشود گفت نقش رسانه های معاند فارسی زبان تبدیل اعتراض مدنی مسالمت آمیز به آشوب و اغتشاش و همچنین فرماندهی اغتشاشات با طراحی و هدایت آشوب هاست.

این رسانه ها می خواهند موجب تغییر ماهیت اعتراضات و افزایش سهم خشونت در آن شده و تصویر تحریف شود و موجب ایجاد توهم نزد مخاطبین شوند.

بطور کلی اگر اعتراضات شکل گرفته را بستری برای موج سواری این رسانه ها در راستای شکل گیری یک جنگ تمام عیار موج چهارمی علیه کشور بدانیم فهم این نکته اسان خواهد شد که (توهم زایی) ازجمله مهمترین کارویژه های این رسانه ها به عنوان رکن اصلی جنگ های موج چهارمی با محوریت

جنگ شناختی است.

این رسانه ها برخلاف ویتترین زیبا و فریبنده که درمورد آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات نمایش می دهد عملاً با اتخاذ شیوه استبدادخبری با تمام توان سعی در وارونه نمایی و سمت و سودادن به درک و شناخت جامعه مخاطب براساس اهدافی تعیین شده دارند. این رسانه ها ازجمله رسانه بی بی سی، رادیوفردا و hellip& می خواد به مخاطبین القاءکننده اعتراضات شما درصدا اخبارجهانی قرارگرفته و ازاین رهگذر آنان را مجاب به ادامه اعتراضات و اغتشاشات کنند حال آنکه درعالم واقعیت تیتیر عموم رسانه های خارجی موضوعات معماری ازجمله منازعه غرب با روسیه، بحث جدی بحران غذا وانرژی ویااحتمال بروزجنگ اتمی و hellip&. به عنوان دغدغه اصلی کشورهای غربی درگیربودم درانواع بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

آیا دشمنان نظام برای براندازی دچاراشتباه محاسباتی درسوءاستفاده ازفوت خانوم مهسامینی شدند؟چرا؟
بله دقیقاً. درتاریخ سابقه داشته که دشمنان یک کشور از فوت یک نفر به دنبال براندازی آن نظام باشند درمورد فوت این خانم حتی اگر فرض کنیم که پلیس امنیت اخلاقی دچارخطا شده است، خطای سهوی و غیرساختاری بخشی ازحاکمیت تا انکارکلیت حاکمیت فاصله بسیارزبایدی دارد.
سوال این است چگونه عده ای ازهمان نقطه اغازبه نقطه پایان رسیدند؟ اینکه رهبرمعظم انقلاب حضرت امام خامنه ای می فرمایند (طراحی شده بود و دست خارجی درکراست و این مرگ دستاویزی بیش نبوده) به خاطر همین است در هر اعتراضی اگر کل حاکمیت نفی شود دیگراعتراض نیست، براندازی است! بین ادعای ابتدایی و شعارهایی که چند روز بعد سر داده شد فاصله بسیار زیادی وجود دارد و مطالبات ناگهان رادیکال شده و به سمت اصل ساختار می رود، این ها نشان می دهند ادعاها مربوط به یک طرح اجتماعی مثل پلیس امنیت اخلاقی نیست و غرض چیز دیگری بوده است. این ها مسیری خشونت آمیز و بی رحمانه درپیش گرفتند و حرف هایی که باید در اتهامی زدند را ابتدا زدند به هرحال بالاین نابخردی دست حاکمیت برای مواجهه سخت بازگذاشتند که البته روشن شدن دست دشمنان درهمه این موارد اول بخاطر لطف خداوند و عنایت امام زمان(عج) به این کشور و انقلاب عزیزمان بوده و دوم بخاطر سیاست،کیاست و تدبیر به موقع رهبرعزیزمان پدر امت مسلمان حضرت امام خامنه ای بوده است.
البته بدون شک اگر رهبری ایشان و تدبیربالای ایشان درچنین مواردی نبودمطمئناً تابه الان اثری ازانقلاب اسلامی نمانده بود.

بنظرشما راه های جلوگیری ازسوءاستفاده معاندین و دشمنان ازحوادثی ماننداتفاقات اخیر چیست؟
راه اول بنانهادن گفت وگویی حداکثری است چون گفت وگو فضا را آرام می کند البته ناگفته نماند جریان انقلاب دستش از استدلال، عقلانیت و منطق پراست و ازهیچ مواجهه و تقابلی نمی ترسد.

من جوان انقلاب و امثال من اهل نزاع، خشونت و هتاک نیست و به قدری استدلال داریم که بتوانیم آن را در هر گفت وگویی عرضه کنیم. بنابراین گفت وگویی وکرسی آزاداندیشی مزیت نسبی ما نسبت به طرف مقابل است. البته باید خطوط قرمزطرفین مشخص شود و هیچکدام ازخطوط قرمز دیگری رد نشود ضمناً این ایده درامتداد طرح کرسی های آزاداندیشی و نگاه گشوده رهبرمعظم انقلاب نسبت به عرضه های اجتماعی است. همچنین با این حرکت سیاست تفاوت و تکرر نیزظهور پیدا می کندکه نگاه رسمی و غالب نگاه امام است و نگاه های دیگر در چارچوب هایی مشخص برتابیده می شوند و باید درعرصه گفتگو سخنشان شنیده شود.

یکی دیگر از راه ها بازسازی ساختارهای مولد تعارض است یعنی این ماجرا ریشه ساختاری نیزدارد همان چیزی که رهبرمعظم انقلاب فرمودند: "بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ"جنبه ساختاری به این برمی گردد که مثلاً ما در موقعیتی به سر می بریم که در آن شبکه های اجتماعی غربی مثل اینستاگرام حاکم هستند و این یک بستر ساختاری برای نفوذ و تنش ایجاد می کند، تاوقتی فضای مجازی غربی برما غالب و حاکم باشد یک مجرای گسترده برای نفوذ در اختیارغرب است و تاوقتی این فضا رهاست و در اختیار دشمن است ما هر روز باید منتظر تنش و تکانه باشیم. و این یک نقص ساختاری است که موجب رخنه فرهنگی می شود. اکنون بخشی ازمصاحبه باجوانانی که دراغتتشاشات حضورداشتند نشان می دهدکه این افراد در واقع اسرای اینستاگرام بودند و انجا افکارشان کارسازی می شد و تحریک و تشویق می شدند این یعنی بخشی از نسل جوانان ما توسط شبکه های اجتماعی غربی بلعیده می شوند و البته این حاصل سوءمدیریت دراین فضا است کما اینکه دربند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری فرمودند: "بایدجلوی نفوذ سبک زندگی غربی را گرفت"حال آنکه یکی از مجاری و مداخل نفوذ سبک زندگی غربی همین شبکه های اجتماعی غربی است که موجب اثرپذیری حداکثری دهه هشتادی هاست و این بدین معنی است که اتفاق درفضای مجازی مدت هایپیش رخ داده و امروز درخیابان فرصت ظهور پیدا کرده است.
البته قابل ذکر است که دربرخی ساختارهای فرهنگی اختلال وجود دارد که مقام معظم رهبری به این موضوع نیزمذمت ها پیش اشاره کرده بودندیعنی برخی از این ساختارها کم بازده ، روبه عقب و اسیر دیوان سالاری هستند. واقعیت این است که ساختارها آنچنان که باید ارزش ها را باز تولید و نمایان نمی کنند ازجمله نظام آموزشی دربرخی مدارس و حوزة های علمی و دراین صورت است که حتی می توانیم ازخیلی از معترضان نیز جذب داشته باشیم. گرچه اکنون آشوب ازخیابان هارخت بر بسته است امامانافذ آشوب و مولدهای آشوب با رفتار زیرپوستی و پنهانی که هر چند وقت یکبار تنش ایجاد میکند پا برجاست. همانطور که رهبر معظم انقلاب خواستند باید از نظرساختاری اصلاحاتی را انجام داد تا برخی دهه هشتادی های که معلول بی کفایت های ساختاری هستند نیز دچار اشتباه نشوند این هامتهم نیستند و معلول ساختار اشتباه هستند.